

به گفته جیمز دابینز؛ اولویت‌های چین در قبال افغانستان عبارت بودند از: (دابینز ۲۰۱۴، ۱۶۴)

- حذف حضور نظامی کشورهای غربی عمدتاً ایالات متحده از افغانستان و آسیای مرکزی.
- توقف توسعه افراط‌گرایی و تروریسم در منطقه و مهم‌تر از همه قطع حمایت این سازمان‌ها از اویغورها در ایالت سین کیانگ.
- حمایت از پاکستان دوست چین و قرنطینه کردن آن از بی‌ثباتی افغانستان.
- تحدید نفوذ روسیه و هند در آسیای مرکزی.
- تضمین دسترسی به منابع طبیعی افغانستان، از جمله گاز طبیعی و فلزات.
- تقویت نقش سازمان همکاری‌های شانگهای (SCO) در منطقه.

اهداف و اولویت‌های فوق‌نیازمند قدری شفاف‌سازی هستند. اول از همه حذف حضور نظامی کشورهای ناتو از افغانستان به چشم‌انداز زمانی طولانی‌تر مربوط می‌شود. ناتو، عمدتاً ایالات متحده، تنها نماد خارجی بود که توانست امنیت و ثبات را در افغانستان تقویت کند. این به دلیل آمادگی بسیار بیشتر ایالات متحده نسبت به سایر کشورها برای استفاده از پتانسیل (عظیم) سیاسی، نظامی و اقتصادی خود در افغانستان بود، اما مشکل کارآیی محدود راهبرد ایجاد شده توسط واشنگتن در آن کشور بود. همان‌طور که قبلاً ذکر شد، فعالیت‌های ائتلاف به رهبری ایالات متحده بر مبارزه با افراط‌گرایی و تروریسم در افغانستان متمرکز بودند. تلاش‌های ایالات متحده منجر به تثبیت موقت و نسبی برخی از مناطق افغانستان شد و به چین این امکان را داد که سرمایه‌گذاری را آغاز کند، اما چین بر این نکته واقف بود که «سواری مفت» او در افغانستان تا ابد پایدار نمی‌ماند. همچنین چین به توانایی ایالات متحده برای ایجاد صلح پایدار در افغانستان اعتقادی نداشت. علاوه بر این در شرایط رقابت راهبرد جهانی، چین تمایلی به حضور دائمی سیاسی، اقتصادی و بالاتر از همه نظامی رقیب اصلی خود در افغانستان نداشت.

در کنار سیاست هژمونیک در ایالات متحده تروریسم بین‌المللی یکی از تهدیدهای اصلی چین است. پکن این موضوع را آگاهانه به پدیده جدایی‌طلبی که استان سین کیانگ را تهدید می‌کند و نیز به موضوع رشد اقتصادی نامتعادل مرتبط می‌سازد. برخلاف ایالات متحده چین اقدامات پیشگیرانه با استفاده از سازمان‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی منطقه‌ای را ترجیح می‌دهد. این سازمان‌ها در میان سایر سازمان‌ها با مشکل به اصطلاح تروریسم اقتصادی که هدف آن تحدید تجارت بین‌المللی است، درگیر می‌شوند (لانتین ۲۰۱۶، ۱۱۶). از نظر جنایات سازمان یافته، چین نیز به‌طور فزاینده‌ای اثرات منفی توسعه صنعت مواد مخدر در افغانستان را احساس کرده است. افغانستان پس از جنوب شرق آسیا به دومین تأمین‌کننده مواد مخدر برای مردم چین تبدیل شده است. مسیر اصلی قاچاق مواد مخدر افغانستان به چین بزرگراه قراقرم از گیلگیت پاکستان به کاشغر چین و از آنجا به ارومچی، مرکز استان سین کیانگ و سپس به سواحل شرقی کشور است. مسیرهای جایگزین از قلمرو تاجیکستان و قرقیزستان عبور می‌کنند. این موضوع عمدتاً بر استان حساس سین کیانگ تأثیر می‌گذارد. در اتفاق سال ۲۰۰۶ چهارده عامل دستگیر شدند و ۶۵ تن هروئین کشف و ضبط شد. یک سال بعد ۲۹ عامل دستگیر شدند و ۱۴۷ تن هروئین کشف و ضبط شد (گلوگوسکی ۲۰۱۳، ۲۶۷).

جمهوری خلق چین به‌طور فعال در حال توسعه همکاری‌های سیاسی، اقتصادی و تا